

بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و عزت نفس در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی - مشهد

دکتر فریده هاشمیان نژاد^۱

چکیده:

ضرورت بازنگری شرایط یادگیرندگان از منظر وضعیت تفکر انتقادی و عزت نفس از جمله موضوعاتی است که مورد تاکید پژوهش‌های اخیر قرار دارد. برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که مهارت‌های تفکر انتقادی بخش عمده‌ای از واریانس بهداشت روان را تبیین می‌کند. این نکته مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو و یونیسف نیز می‌باشد. با توجه به اقتضائات عصر جدید از جمله مهارت‌های مورد نیاز بازار کار در دنیای فردا، هدف پژوهش حاضر ارزیابی میزان مهارت تفکر انتقادی و عزت نفس و بررسی رابطه بین آنها در دانشجویان است.

روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی، جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد - در سال ۱۳۸۹-۹۰ در ۴ گروه آموزشی و حجم نمونه ۳۰۰ نفر بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه «واتسون گلیر» برای اندازه‌گیری مهارت تفکر انتقادی و آزمون عزت نفس کوپراسمیت برای اندازه‌گیری عزت نفس بود. برای تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها از آزمون ضریب رگرسیون یک طرفه، رگرسیون چند متغیره، ضریب تعیین و آزمون یومن ویتنی استفاده شد، یافته‌ها نشان داد:

^۱ دانشکده علوم تربیتی مشهد (دانشگاه آزاد اسلامی) hash@mshdiau.ac.ir

-بین مؤلفه‌های عزت نفس و تفکر انتقادی رابطه مثبت و معناداری (۰.۱۶۰) وجود دارد

-ضریب تعیین در رگرسیون چند متغیره ۰.۰۴۷ است؛ ۴.۷٪ تغییرپذیری تفکر انتقادی توسط عزت نفس تبیین می‌شود.

-در مقایسه با سایر ابعاد عزت نفس، ضریب رگرسیون عزت نفس تحصیلی (۰.۴۶۳) نقش بیشتری در پیش بینی تغییرپذیری تفکر انتقادی دارد

کلید واژه‌ها:

عزت نفس، دانشجو، تفکر انتقادی

مقدمه:

بسیاری از صاحب‌نظران تربیتی معتقدند فقر تفکر یادگیرندگان نتیجه حاکمیت روش‌های سنتی در نظام آموزشی است (بیر، ۱۹۹۱). تحقیقات انجام شده در این زمینه بیانگر آن است که هنوز بسیاری از مدرسان بیشترین زمان کلاس خود را صرف ارائه مطالب یا طرح سؤال‌هایی می‌کنند که صرفاً جمع آوری مجدد حقایق ساده علمی را می‌طلبد و فقط یک درصد از زمان صرف شده در کلاس را به سؤال‌هایی اختصاص می‌دهند که به پاسخ متفکرانه نیاز دارد (کراکر و لاتانن، ۲۰۰۳). اغلب معلمان با دادن فرصت اندک برای پاسخ گویی به سؤال‌ها، فراگیران را از ارائه نظرهای متفکرانه دلسرد می‌کنند (لاولس، ۲۰۰۶).

از جمله چالش‌های نظام آموزشی ایران دریافت انفعالی اطلاعات است به طوری فراگیران به جای تفکر و نقد و بررسی، بیشتر مجری دستورات معلم هستند (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۲) و این در حالی است که امروزه دیگر معلم و مدرسه تنها منبع اطلاعاتی یادگیرنده نیستند.

متأسفانه در نظام آموزشی امروز فقط بر مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن تأکید می‌شود؛ در صورتی که این مهارت‌ها ذاتاً دارای ارزش نیستند و در تعلیم و تربیت تهی از فضیلت‌اند؛ مسأله این نیست که یادگیرنده می‌تواند بخواند، بلکه این است که او چه و چگونه می‌خواند؟ (شعبانی، ۱۳۸۲). در حالی که بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که هدف اساسی تعلیم و تربیت باید تربیت انسان متفکر و فرهیخته باشد نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر فارغ‌التحصیلان فاقد مهارت‌های تفکر سطح بالا هستند (شعبانی، ۱۳۷۲).

توسعه تفکر انتقادی مستلزم شرایط محیطی و فردی مناسب و در بعد فردی نیازمند سازگاری اجتماعی مطلوب است. آنچه در محیط‌های آموزشی مشاهده می‌شود مسائل شخصیتی است که می‌تواند مانعی اساسی برای بروز مهارت‌های تفکر باشد. این مشکل که ریشه در مسائل تربیتی دارد ما را بر آن داشت تا در جهت ارتباط آن با ویژگی‌های شخصیتی فراگیران برایم.

در این رابطه مطالعات پاول و بیلین (۱۹۸۴) بیانگر اینست که تفکر انتقادی یکی از جنبه‌های مهم شخصیت یا منش فرد است و عزت نفس به عنوان یکی از جلوه‌های شخصیت می‌تواند تسهیل کننده تفکر انتقادی باشد. رابطه بین عزت نفس و تخمین فرد از توانایی خود یکی از «ابزارهای» مورد نیاز تفکر انتقادی- نیز مورد بررسی محققان قرار گرفته و وجود همبستگی بین این دو تأیید شده است (ویلیامز و دیگران، ۲۰۰۶)، به گونه‌ای که وقتی میزان عزت نفس بالا باشد، فرد خود را در سطح مطلوب و بالایی ارزیابی می‌کند و این ویژگی می‌تواند در داشتن و پرورش تفکر نقادانه نقش اساسی ایفا کند. عزت نفس (احساس ارزشمندی تصور فرد از خود) با حس اتکاء به نفس، ارتباط معناداری دارد و هرگونه نقصان و کاهش در عوامل مذکور موجب تغییراتی در تفکر و در نتیجه کل رفتار فرد می‌گردد (دوک، ۲۰۰۶). در مبحث

مربوط به عزت نفس تحقیقات نشان دهنده نقش عزت نفس به عنوان یکی از عوامل اساسی در سازگاری هیجانی و اجتماعی مطلوب می باشد.

انجمن روان شناسان آمریکا اعلام کرده است اگر فرد احساس مطلوبی درباره خود داشته باشد با مسائل و مشکلات گوناگون آسان تر کنار می آید، دچار مسائل غامض نمی شود و قادر به تفکر سطح بالا است. طبق نظر هورنای عزت نفس فرد را قادر می سازد که کاملاً تسلیم محیط اجتماعی نباشد، تفکر کند و شخصیت خود را به رنگ مخصوص درآورد.

از برجسته ترین ویژگی های صاحبان تفکر و افراد خلاق داشتن اعتماد به نفس و خود ارزشمندی بالاست. فردی که عزت نفس ندارد به آسانی تحت تأثیر دیگران قرار می گیرد، یعنی اندیشه ها و رفتارش غالباً متأثر از کسانی است که اوقاتش را با آنان می گذراند و تحت نفوذ شخصیت هاست، قدرت تفکر ندارد و همه چیز را بدون نقد و بررسی و استدلال می پذیرد. عزت نفس به روشن شدن جهت یعنی سنجیدن راه های گوناگون از طریق تفکر می انجامد که این خود تفکر استدلالی و انتقادی است. در حال حاضر وضعیت دانشجویان در این زمینه بسیار نامناسب و زمینه بروز مشکلات فردی زیاد است که می توان با تقویت عزت نفس فرد پشتوانه محکمی را به منظور توسعه حس تفکر درونی ایجاد نمود (مشایخی ۱۳۷۷).

در عصر حاضر برای تربیت نسل اطلاعات، تفکر انتقادی دارای جایگاهی اساسی است. به طوری که بسیاری از دانشگاه ها تمایل دارند که مدرسان آنها با روش های آموزش مهارت تفکر انتقادی آشنا شده و علاوه بر تدریس در حوزه تخصص خود بر کاربرد آن در یادگیری تأکید نمایند. این نکته تا آنجا اهمیت دارد که در برخی از کشورها به عنوان یکی از مهم ترین شاخص های ارزیابی میزان موفقیت آموزش عالی مطرح است. در این زمینه برخی از مدرسین دانشگاه ها معتقدند که با از میان برداشتن موانع تفکر در

فرایند آموزش می‌توان یادگیری توأم با تفکر را تسهیل نمود. لازمه این امر تقویت روحیه انتقاد پذیری در اساتید و همزمان پرورش روحیه انتقاد کردن و تحقیق در دانشجویان از طریق تقویت اعتماد به نفس آنهاست.

نتایج یک پروژه ملی که در موسسات آموزشی عالی آمریکا با هدف یافتن راهکارهای توسعه آموزش عالی انجام شد و شامل بیش از چهل دانشکده و بیست تحقیق ساختارمند بود، توصیه‌هایی را برای پیشرفت موسسات عالی ارائه کرد که یکی از مهم‌ترین این توصیه‌ها توجه به پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسأله در آموزش عالی است زیرا عادت‌های مطلوب ذهنی مثل تفکر انتقادی، تفکر تحلیلی و حل مسأله منجر به ایجاد کنجکاوی و کاربرد آموخته‌ها می‌شود (لی، ۲۰۰۶). چمبرز (۲۰۰۳) و بولند (۲۰۰۱)

معتقدند توسعه تفکر انتقادی در آموزش عالی (تفکری که هدفمند، معقول بوده و با تدوین حل مسأله و کشف احتمالات و تصمیم‌گیری سروکار دارد) موجب توسعه مهارت‌هایی چون ارتباطات، کار گروهی، رهبری و خودمدیریتی می‌شود و بطور مداوم برنامه‌های درسی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را توسعه می‌دهد. همچنین چمبرز (۲۰۰۱) در این مورد اظهار می‌دارد: شهروند خوب کسی نیست که صرفاً در محدوده قانون عمل کند بلکه باید درک کاملی از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیرامون خود داشته و توانایی نگاه نقادانه به مسائل محیط اطراف خود را نیز داشته باشد. از این رو به منظور تحقق موارد مذکور، برون‌داد دانشگاه‌ها باید به موارد زیر بینجامد:

- سعه صدر و ذهن باز را در جامعه تشویق و تقویت کند.
- احترام متقابل، تفاهم و تعامل پویا را وارد زندگی طبیعی مردم نماید.
- درک جهان بینی‌های گوناگون را تسهیل کند.

-فعالیت‌های جدی انسان را پایه‌ریزی کند.
-یادگیرنده را توانا سازد تا یادگرفته‌های خود را در موقعیت‌های مسئله‌دار به کار گیرد.
-زمینه انجام و خود شکوفایی فراگیران را فراهم آورد.

بر این اساس فهم رابطه بین تفکر انتقادی و عزت نفس در ابعاد عزت نفس تحصیلی، عزت نفس خانوادگی و عزت نفس اجتماعی و میزان و شدت آن می‌تواند آموزش عالی را در بازنگری اهداف و تاکید بر این دو مولفه یاری نماید. درک عمیق تر موضوع مستلزم آگاهی از پژوهش‌های انجام شده در داخل و در سطح بین‌المللی است.

برخورداری و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی به منظور بررسی رابطه بین گرایش به تفکر انتقادی و عزت نفس دانشجویان سال سوم و چهارم رشته لیسانس پرستاری انجام دادند. حجم نمونه شامل ۱۷۰ دانشجوی سال سوم و چهارم بود و در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی و دانشگاه آزاد اسلامی یزد اجرا گردید. نتایج نشان داد ارتباط قابل توجهی بین گرایش به تفکر انتقادی و عزت نفس وجود دارد؛ متفکران انتقادی باید از عزت نفس بالایی برخوردار باشند. بنابراین استادان و اعضای هیات علمی باید حس عزت نفس را به دانشجویان منتقل نمایند تا آنها قادر به قضاوت و تصمیم‌گیری بی‌طرفانه باشند.

وافیکا و دیگران (۲۰۰۷) با هدف تعیین میزان گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان پرستاری عربستان سعودی و همچنین بررسی رابطه بین تفکر انتقادی (CT)، نگرانی و اضطراب (SA) و عزت نفس (SE) پژوهشی انجام دادند. نتایج بیانگر این بود که اگر چه همبستگی بین متغیرها بسیار ضعیف است، تفکر انتقادی با SE همبستگی مثبت دارد. فاکس (۲۰۰۵) به بررسی رابطه تفکر انتقادی دانشجویان فوق دیپلم پرستاری، خود اثر بخشی و عزت نفس آنها

پرداخت. نتایج نشان داد که بین تفکر انتقادی، خود اثر بخشی و عزت نفس ارتباط معناداری وجود دارد ($r = 0.321$; $p = 0.003$). پروکوپاکو و استودیا (۲۰۰۸) پژوهشی در مورد بررسی گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان کارشناسی و همچنین بررسی رابطه تفکر انتقادی (CT) و عزت نفس (SE) انجام دادند. آنها دریافتند که اگرچه تفکر انتقادی هر دو گروه کاستی قابل توجهی را نشان نمی‌دهد، با این وجود هر دو گروه با تفاوت قابل ملاحظه‌ای در عزت نفس ضعیف بودند ($t = -2.053$, $df = 136.904$, $p = .042$)؛ به عبارتی رابطه‌ای میان تفکر انتقادی و عزت نفس آنها وجود نداشت.

بنابراین همان طور که نتایج تحقیقات نشان می‌دهد با توجه به اهمیت و نقشی که عزت نفس در بروز تفکر انتقادی دارد، شایسته است که به هنگام بررسی میزان تسلط دانشجویان بر مهارت تفکر انتقادی، وضعیت آنها از نظر میزان عزت نفس و ابعاد مختلف آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. از این رو هر گونه اقدام در جهت شناسایی میزان تفکر انتقادی و توسعه آن در دانشجویان مستلزم به دست آوردن تصویری واقعی از شرایط و عوامل مداخله‌گر در پرورش تفکر آنان است. جهت تحقق این هدف، ابتدا به ارائه تعریف متغیرها و مولفه‌های آنها می‌پردازیم:

تفکر انتقادی: انیس^۱ (۱۹۸۵) معتقد است که تفکر انتقادی به صورت «تفکر تأملی» و عقلانی در تصمیم‌گیری بین شقوق مختلف و آن چه باید باور داشت و انجام داد مبتنی است و این معنا یک مولفه زایشی برای اندیشیدن است. بر اساس مطالعات انیس، تفکر هنگامی عقلانی است که متفکر می‌کوشد مباحث را به دقت تجزیه و تحلیل کند، شواهد و مدارک معتبر جستجو کند و به نتیجه نهایی معقول برسد.

مولفه‌های تفکر انتقادی عبارتند از:

- استنباط^۱: نتیجه‌ای است که فرد از پدیده‌های به وقوع پیوسته به دست می‌آورد.

- شناسایی مفروضات^۲: مفروض عبارتی است که از پیش در نظر گرفته می‌شود، بدیهی فرض شده و یا برای پذیرفته شدن پیشنهاد می‌گردد.

- استنتاج^۳: توانایی درک مقدمات یا مفروضات یک قضیه و استخراج و استنتاج نتیجه مناسب از دل این مقدمات است.

- تفسیر^۴: تعبیر و تفسیر مستلزم نوعی بازآرایی منطقی از اطلاعات داده شده در ذهن و فهم و استنباط ارتباط این اطلاعات با نتایج پیشنهادی مسأله در فرآیند رسیدن به نتیجه گیری صحیح است.

ارزشیابی استدلال‌های منطقی^۵: «وقتی ما ارزیابی انجام می‌دهیم، در واقع به صورت نقادانه تفکر می‌کنیم. پس برای تفکر نقادانه نیاز داریم بدانیم وقتی شخصی - مانند خودما - نظریه یا مسأله‌ای را مطرح می‌کند آن مسأله چیست و شخص درباره مسأله چه ادعایی می‌کند؟ موضوعات مربوط به آن مسأله چیست؟ آیا استدلال مربوط به ادعای شخص یک استدلال درست و خوب است و آیا همه چیز در نظر گرفته شده است؟ آیا ما باید آن چه را شخص ادعا کرده است بپذیریم، رد کنیم یا نسبت به آن مشکوک باشیم؟» (دپاولا، 2004).

¹ Inference: drawing inferences from facts

² Recognition of Assumption : Recognition assumption implied astatmet

³ Deduction

⁴ Interpretation : reasoning logically by interpretation

⁵ Evaluation of Argument: Discriminating between strong and weak argument

عزت نفس: عزت نفس به ارزیابی و قضاوت فرد نسبت به کلیه ارزش‌های خود اطلاق می‌شود که این جنبه از عزت نفس، سایر جنبه‌های زیر را در خود دارد و در واقع به آن‌ها نوعی وحدت و یکپارچگی می‌بخشد. مولفه‌های عزت نفس عبارتند از:

- عزت نفس اجتماعی: شامل عقاید فرد در مورد خودش به عنوان یک دوست برای دیگران است عقایدی مانند این که آیا مورد توجه دیگران است؟ آیا عقاید و افکار او برای آن‌ها ارزشمند است؟ آیا از ارتباط و تعامل با دوستان خود احساس رضایت می‌کند؟

- عزت نفس تحصیلی: عزت نفس تحصیلی به ارزیابی و قضاوت فرد نسبت به ارزشمندی تحصیلی خود مربوط می‌شود. اگر واکنش اطرافیان در مورد وضعیت تحصیلی فرد مطلوب باشد، در او احساس رضایت از خود ایجاد نموده و به قضاوت مثبت فرد درباره خودش کمک می‌کند.

- عزت نفس خانوادگی: ارزیابی و قضاوت فرد به عنوان عضوی از خانواده را عزت نفس خانوادگی می‌گویند که در اثر تعامل فرد با اعضاء خانواده در او به وجود می‌آید. نوع رابطه متقابل فرد با پدر، مادر، برادران و خواهران و سایر اعضاء خانواده و این که فرد تا چه اندازه توسط آن‌ها پذیرفته شده است، در چگونگی نگرش او نسبت به خود مؤثر است و عزت نفس خانوادگی او را تعیین می‌کند.

فرضیه‌ها و سوالات پژوهش عبارتند از:

- بین تفکر انتقادی و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد.
- مولفه‌های عزت نفس تا چه اندازه تغییرپذیری تفکر انتقادی را تبیین می‌کند؟
- بین تفکر انتقادی و عزت نفس خانوادگی رابطه وجود دارد.
- عزت نفس خانوادگی تا چه اندازه تغییرپذیری تفکر انتقادی را تبیین می‌کند؟
- بین تفکر انتقادی و عزت نفس اجتماعی رابطه وجود دارد.

بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و عزت نفس در ..

-عزت نفس اجتماعی تا چه اندازه تغییرپذیری تفکر انتقادی را تبیین می‌کند؟

-بین تفکر انتقادی و عزت نفس تحصیلی رابطه وجود دارد.

-عزت نفس تحصیلی تا چه اندازه تغییرپذیری تفکر انتقادی را تبیین می‌کند؟

-بین تفکر انتقادی و جنسیت رابطه وجود دارد.

روش:

نوع مطالعه: نوع تحقیق حاضر از دو بعد قابل بررسی است: الف) بر مبنای هدف، تحقیق کاربردی است. زیرا به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می‌شود و نتایج آن در تعلیم و تربیت در جهت کمک به اتخاذ تصمیم‌های مربوط به نظام آموزشی بکار می‌رود.

ب) بر مبنای نحوه گردآوری داده‌های مورد نیاز، تحقیق همبستگی و از نوع مطالعه همبستگی دو متغیری است.

ابزار اندازه‌گیری: الف: آزمون عزت نفس کوپراسمیت؛ به ۴ خرده مقیاس عزت نفس کلی، عزت نفس اجتماعی (همسالان) عزت نفس خانوادگی (والدین) و عزت نفس تحصیلی (آموزشگاه) تقسیم شده است. این آزمون پرسشنامه ای استاندارد است که پایایی و روایی آن در پژوهش‌های مکرر توسط محققان و صاحب‌نظران تایید شده است.

ب: آزمون تفکر انتقادی «واتسون - گلیرز»: این آزمون پرسشنامه‌ای ۸۰ سوالی است که به دلیل همسان شدن با شرایط فرهنگی تغییراتی در بعضی سوال‌ها داده شده است. آزمون تفکر انتقادی «واتسون - گلیرز» شامل ۵ خرده آزمون است که عبارتند از:

استنباط، شناسایی مفروضات، استنتاج، تفسیر، ارزشیابی استدلال‌های

منطقی

جامعه آماری: دانشجویان (از ترم چهار به بالا) گروه علوم انسانی
(چهار زیر گروه) دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸.
حجم نمونه: برای محاسبه حجم نمونه از فرمول زیر استفاده شد:

$$n \geq \frac{z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 \times NS^2}{z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 S^2 + (N-1)e^2}$$

که در این روابط e خطای نسبی است و از قبل تعیین می‌شود، S^2 پارامتر واریانس جامعه که اگر معلوم نباشد باید از روی نمونه مقدماتی برآورد شود و $z_{1-\frac{\alpha}{2}}$ نقطه متناظر با احتمال تجمعی توزیع نرمال استاندارد

است. حال با در نظر گرفتن $\alpha = 0/01$ داریم:

$$z_{1-\frac{\alpha}{2}} = 1/96$$

همچنین با توجه به میانگین و واریانس به کمک ۱۰ نمونه اولیه از افراد برآورد شده است (به دلیل نزدیک بودن پراکندگی در هر دو پرسشنامه از یکی از آنها برای برآورد حجم نمونه استفاده شد که در این جا از پرسشنامه عزت نفس استفاده کرده‌ایم) بر این اساس: $S^2_c = 31.56$ و با در نظر گرفتن حد بالای خطای نسبی با مقدار $e = 0/625$ نتیجه می‌شود:

$$n \geq \frac{z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 \times NS^2}{z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 S^2 + (N-1)e^2} = \frac{1/96^2 \times 7800 \times 31/56}{1/96^2 \times 31/56 + 7799 \times (0/625)^2} = 298/54$$

$$n \cong 299$$

از دانشجویان ذکر شده به تعداد ۳۰۰ نفر انتخاب و پس از توزیع آزمون‌های تفکر انتقادی و عزت نفس به جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شد.

بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و عزت نفس در ..

روش نمونه‌گیری: با توجه با این که الف) فهرست کامل افراد جامعه مورد مطالعه -چارچوب نمونه‌گیری- در دسترس است و ب) تغییرات صفت متغیر در جامعه مورد مطالعه شدید نیست، از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها: برای تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها از آزمون ضریب رگرسیون یک طرفه، رگرسیون چندمتغیره، ضریب تعیین و آزمون یومن ویتنی استفاده شد.

یافته‌ها:

بر اساس جدول تفکر انتقادی، حداقل نمره به دست آمده توسط پاسخگویان ۲۴ و بیشترین نمره ۵۳ با میانگین ۴۰ و انحراف معیار ۶.۵ است. این بدان معنا است که پاسخگویان حداقل به ۲۴ و حداکثر به ۵۳ سوال از ۸۰ سوال آزمون‌های تفکر انتقادی پاسخ صحیح داده‌اند. در ضمن با همین روش به تفکیک آزمون‌های مختلف، شاخص‌های جزئی (شاخص استنباط، شناسایی مفروضات، استنتاج، تعبیر و تفسیر و ارزشیابی استدلال‌های منطقی) محاسبه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. نتایج شفاف‌های توصیفی تفکر انتقادی و مولفه های آن

انحراف معیار	میانگین	بیشترین نمره	کمترین نمره
۷.۱	۳.۴	۸	۱
۴.۲	۸.۸	۱۴	۰
۶.۱	۹.۸	۱۳	۴
۱.۲	۶.۹	۱۴	۵
۲.۲	۳.۸	۱۳	۳
۶.۵	۴.۰	۵۳	۲۴

با توجه به جدول ۱ حداقل نمره به دست آمده توسط پاسخگویان برای عزت نفس ۴ و بیشترین نمره ۵۵ با میانگین ۳۵ و انحراف معیار ۱۱.۵ است. این بدان معنا است که پاسخگویان حداقل به ۴ و حداکثر به ۵۵ گزینه هم جهت با عزت نفس پاسخ داده‌اند. در ضمن با همین روش به تفکیک آزمون‌های مختلف، شاخص‌های جزئی (شاخص عزت نفس خانوادگی، اجتماعی، و تحصیلی) محاسبه شده است.

جدول ۲. نتایج شفاف‌های توصیفی عزت نفس و مؤلفه های آن

انحراف معیار	میانگین	بیشترین نمره	کمترین نمره
۹.۱	۴.۵	۸	۰
۵.۲	۴.۶	۱۰	۰
۸.۱	۴	۷	۰
۵.۱۱	۳۵	۵۵	۴

به دلیل کمی بودن (مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای است) متغیرهای مورد بررسی از آزمون رگرسیون یک طرفه و رگرسیون چند متغیره با نرم‌افزار SPSS استفاده شد و آزمون در سطح $\alpha = 0.05$ اجرا شد. جهت بررسی این که عزت نفس تا چه اندازه تغییرپذیری تفکر انتقادی را تبیین

بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و عزت نفس در ..

می‌کند از ضریب تعیین استفاده شد، این ضریب در جداول آنالیز واریانس به صورت R-square نشان داده می‌شود. نتایج به صورت زیر است:

فرضیه ۱: بین تفکر انتقادی و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳. نتایج جدول ANOVA در مورد متغیرهای عزت نفس و تفکر انتقادی

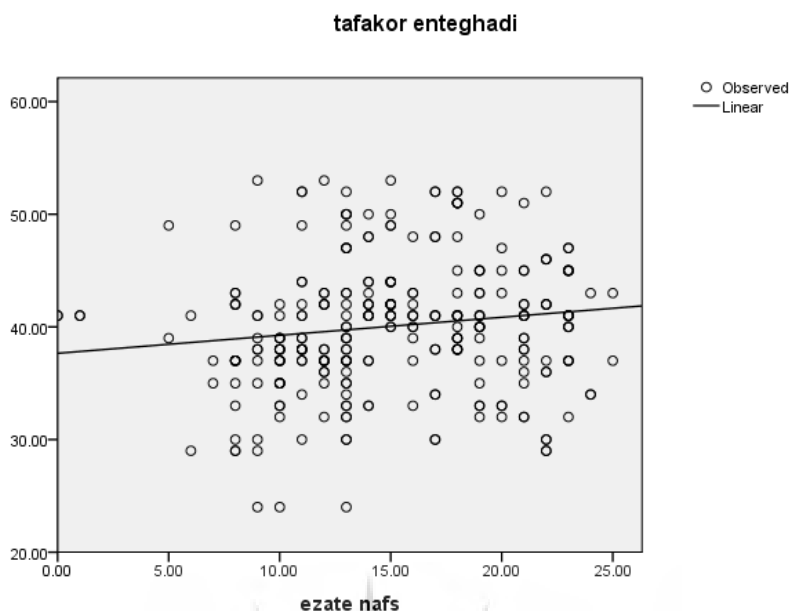
منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	فیشر اماره‌ی	رگرسیون ضریب تعیین	ضریب تعیین	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۱	۲۳۷	۲۳۷	۲۷۳	۰.۲۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
میان گروه‌ها	۲۹۸	۹۴۲۳	۳۱	۳۱	۰.۲۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
کل	۲۹۹	۹۶۹۷		۳۱۲.۸	۰.۲۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰

P-value : 0. 015

بر اساس نتایج جدول ۳ فرض صفر رد می‌شود؛ بین دو متغیر رابطه مثبت (۰.۱۶۰) وجود دارد، یعنی با افزایش یا کاهش عزت نفس، انتظار داریم تفکر انتقادی نیز افزایش یا کاهش پیدا کند:

► P-value = 0. 015 < α = 0. 05 → R H0

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



نمودار ۱. رابطه بین متغیر تفکر انتقادی و عزت نفس

همان طور که در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود ضریب خط رگرسیون مثبت (۰.۱۶۰) است و بیانگر رابطه‌ی مستقیم است؛ این ضریب به زبان آماری β نام دارد که در جدول با B نشان داده شده است. بر اساس مثبت بودن ضریب انتظار داریم خطی که در نمودار B پراکنش برآزش داده می‌شود، صعودی باشد.

سوال ۱: عزت نفس تا چه اندازه تغییرپذیری تفکر انتقادی را تبیین می‌کند؟ ضریب تعیین در جداول آنالیز واریانس به صورت R-square نشان داده می‌شود. این ضریب در رگرسیون چند متغیره ۰.۰۴۷ است؛ ۴.۷٪ تغییرپذیری تفکر انتقادی توسط عزت نفس تبیین می‌شود.

برای بررسی میزان رابطه مؤلفه‌های عزت نفس - عزت نفس خانوادگی، عزت نفس اجتماعی، عزت نفس تحصیلی - با تفکر انتقادی از رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

جدول ۴. نتایج جدول ANOVA برای رگرسیون چند متغیره

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	اماره ی فیشر	ضریب تعیین	سطح معناداری
بین گروه ها	۳	۴۶۰	۱۵۳	۹۱۵.۴	۰.۴۷	۰.۰۵
میان گروه ها	۲۹۶	۹۲۳۷	۳۱			
کل	۲۹۹	۹۶۹۷				

P-value : 0. 002

جدول ۵. نتایج ضریب رگرسیون برای متغیرهای عزت نفس

متغیر مستقل	ضریب رگرسیون
عزت نفس خانوادگی	-۳۳.۰
عزت نفس اجتماعی	۲۷۱.۰
عزت نفس تحصیلی	۴۶۳.۰

تحلیل جداول رگرسیون چند متغیره برای فرضیه ۱: با توجه به خروجی رابطه معناداری بین مؤلفه‌های عزت نفس و تفکر انتقادی وجود دارد، به عبارتی اکثر ضرایب رگرسیون مثبت هستند؛ بین تفکر انتقادی و مؤلفه‌های عزت نفس رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. یاد آوری می‌شود که این نتایج از رگرسیون یک طرفه نیز حاصل شد:

$$\blacktriangleright P\text{-value} = 0. 002 < \alpha = 0. 05 \rightarrow R H_0$$

در رابطه بالا P-value کمتر از سطح آزمون است، پس فرض صفر رد می‌شود، و بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد.

به علاوه هر چه ضریب رگرسیون یک متغیر بیشتر باشد، آن متغیر در پیش‌بینی نقش بیشتری دارد، بنا بر این با توجه به ضرایب رگرسیونی حاصل از جدول آنالیز واریانس، ضریب رگرسیون عزت نفس تحصیلی ۴۶۳.۰، عزت نفس اجتماعی ۲۷۱.۰ و عزت نفس خانوادگی ۳۳.۰- است.

فرضیه ۲: بین تفکر انتقادی و عزت نفس خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶. نتایج جدول ANOVA در مورد متغیر عزت نفس خانوادگی و تفکر انتقادی

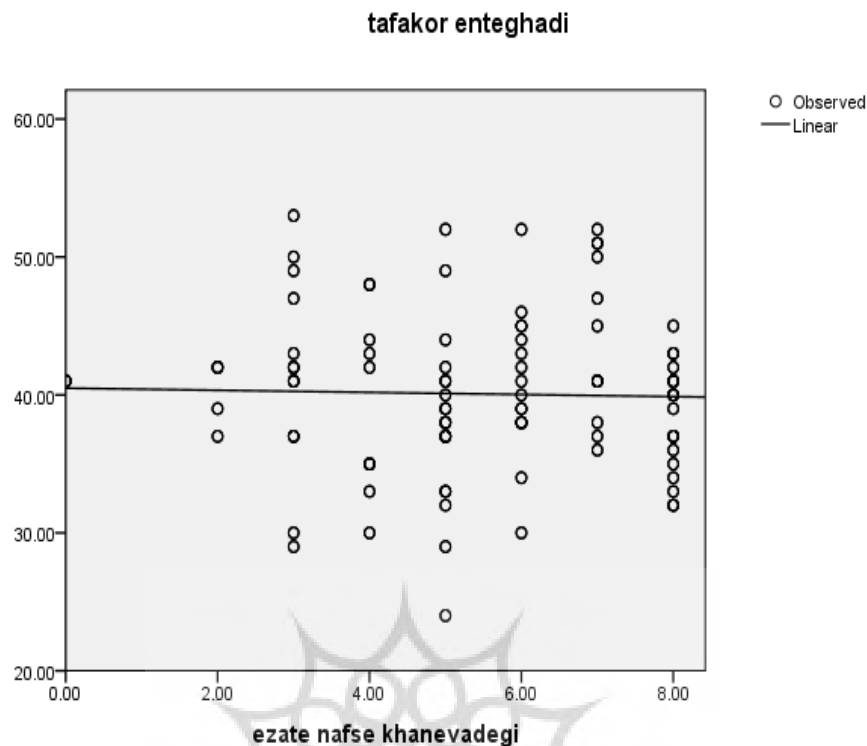
منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	اماره ی فیشر	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	سطح معناداری
بین گروه ها	۱	۷.۶	۷.۶	۲۰۷.۰۰	-۰.۷۷.۰۰	۰.۰۱.۰۰	۰.۰۵.۰۰
میان گروه ها	۲۹۸	۹۶۹۰	۳۲				
کل	۲۹۹	۹۶۹۷					

P-value :0. 650

بر اساس نتایج جدول ۶ ضریب رگرسیون منفی (۰.۷۷ -) است؛ دو متغیر رابطه معکوس با یکدیگر دارند، اما این ضریب بسیار به صفر نزدیک است:

$$P\text{-value} = 0.650 > \alpha = 0.05 \rightarrow A H_0$$

با توجه با این که P-value بیشتر از سطح آزمون است، دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد یعنی می پذیریم بین دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد.



نمودار ۲. رابطه بین متغیر تفکر انتقادی و عزت نفس خانوادگی

بر اساس نمودار خط رگرسیون تقریباً افقی است (دارای شیب تقریباً صفر است) که این بیانگر ناهمبسته بودن دو متغیر است، یعنی دو متغیر با هم رابطه‌ای ندارند.

عزت نفس خانوادگی تا چه اندازه تغییر پذیری تفکر انتقادی را تبیین می‌کند؟

جهت بررسی این سوال از ضریب تعیین استفاده شد، این ضریب در جداول آنالیز واریانس به صورت R-square نشان داده می‌شود. ضریب تعیین ۰۰۱۰ بیانگر این است که ۰۱٪ تغییر پذیری تفکر انتقادی به وسیله‌ی عزت نفس خانوادگی تبیین می‌شود.

فرضیه ۳: بین تفکر انتقادی و عزت نفس اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول ۷ مقدار P-value کمتر از سطح آزمون شده است؛ فرض صفر رد میشود؛ بین دو متغیر رابطه در جهت مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش یا کاهش عزت نفس اجتماعی، انتظار داریم تفکر انتقادی نیز افزایش یا کاهش پیدا کند:

$$\blacktriangleright P\text{-value} = 0.002 < \alpha = 0.05 \rightarrow R H_0$$

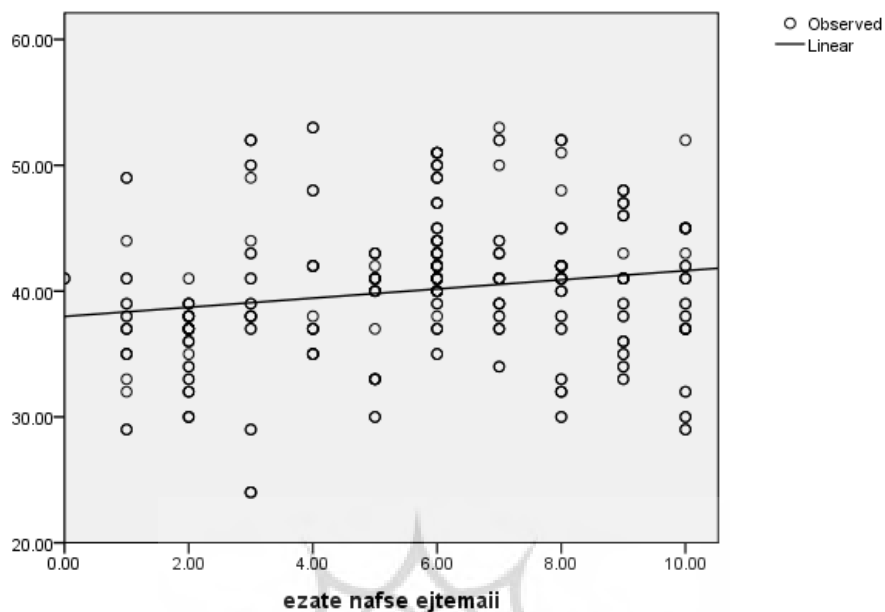
جدول ۷. نتایج جدول ANOVA در مورد متغیر عزت نفس اجتماعی و تفکر انتقادی

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	اماره ی فیشر	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	سطح معناداری
بین گروه ها	۱	۳۰۳	۳۰۳	۶۲۲.۹	۳۶۴.۰۰	۰.۳۱۰۰	۰.۰۵۰
میان گروه ها	۲۹۸	۹۳۹۴	۳۱				
کل	۲۹۹	۹۶۹۷					

P-value : 0.002

همان طور که از مثبت بودن ضریب رگرسیون (۳۶۴.۰) و خط برازش نمودار که صعودی است پیداست، بین دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش یکی انتظار داریم دیگری نیز افزایش پیدا کند.

tafakor enteghadi



نمودار ۳. رابطه بین متغیر تفکر انتقادی و عزت نفس اجتماعی

سوال ۳: عزت نفس اجتماعی تا چه اندازه تغییرپذیری تفکر انتقادی را

تبیین می‌کند؟

ضریب تعیین (۰۰۱۰) بیان گر این است که ۱۰٪ تغییر پذیری تفکر

انتقادی به وسیله ی عزت نفس اجتماعی تبیین می‌شود.

فرضیه ۴: بین تفکر انتقادی و عزت نفس تحصیلی رابطه معناداری

وجود دارد.

جدول ۷. نتایج جدول ANOVA در مورد متغیر عزت نفس تمصیلی و تفکر انتقادی

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	اماره ی فیشر	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	سطح معناداری
بین گروه ها	۱	۲۳۷	۲۳۷	۶۶۲.۸	۶۱۷.۰	۰.۲۸.۰	۰.۰۵.۰
میان گروه ها	۲۹۸	۹۴۲۳	۳۱				
کل	۲۹۹	۹۶۹۷					

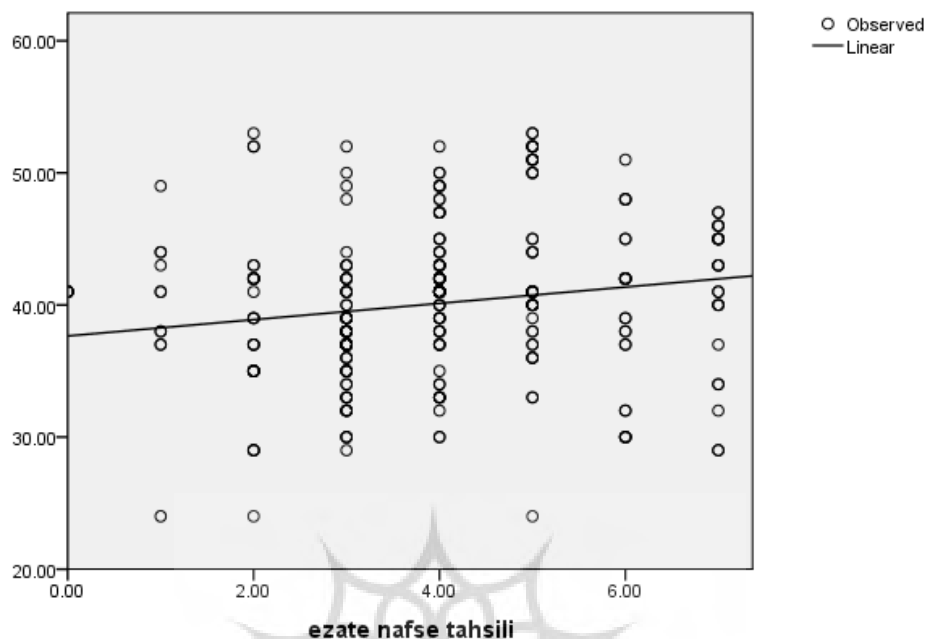
P-value : 0. 004

همان طور که ملاحظه می شود ضریب رگرسیون ۶۱۷.۰ و گویای وجود رابطه ای مثبت بین دو متغیر است. همچنین بر اساس نتایج جدول ۸ مقدار P-value کمتر از سطح آزمون شده است؛ فرض صفر رد می شود؛ یعنی با افزایش یا کاهش عزت نفس تحصیلی، انتظار داریم تفکر انتقادی نیز افزایش یا کاهش پیدا کند:

$$P\text{-value} = 0.004 < \alpha = 0.05 \rightarrow R H_0$$

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

tafakor enteghadi



نمودار ۴. رابطه بین متغیر تفکر انتقادی و عزت نفس تمصیلی

طبق نمودار، شیب خط مثبت (صعودی) است، یعنی با افزایش یکی، انتظار داریم دیگری نیز افزایش پیدا کند.

سوال ۴: عزت نفس تحصیلی تا چه اندازه تغییرپذیری تفکر انتقادی را تبیین می کند؟

ضریب تعیین بیانگر این است که ۰.۲۸٪ تغییر پذیری تفکر انتقادی به وسیله ی عزت نفس تحصیلی تبیین می شود.

فرضیه ۵: بین تفکر انتقادی و جنسیت رابطه معناداری وجود دارد. ابتدا جهت تشخیص نوع آزمون برای آزمودن متغیر وابسته این فرضیه - تفکر انتقادی- آزمون نرمال بودن محاسبه شد؛ با توجه به آزمون، توزیع متغیر وابسته در جامعه غیر نرمال است $asympt. sig = 0/007 <$

T test (0/05). بنابراین در مورد روابط بین دو گروه که غالباً از آزمون T test استفاده می‌شود از آزمون U مان ویتنی استفاده شد.

نتیجه آزمون نشان می‌دهد که میانگین نمره تفکر انتقادی در بین مردان ۳۹/۸۶ و در بین زنان ۴۰/۲۴ است؛ فرض اختلاف میانگین‌ها و معناداری رابطه بین جنسیت و تفکر انتقادی رد می‌شود (جدول ۸). $\text{sig} = 0/49 > 0/05$.

جدول ۸. نتایج آزمون U مان ویتنی در مورد تفاوت تفکر انتقادی بر حسب جنسیت

Test Statistics ^a	
	تفکر انتقادی
Mann-Whitney U	10643.500
Wilcoxon W	19959.500
Z	-.682
Asymp. Sig. (2-tailed)	.495

a. Grouping Variable: جنس

بحث و نتیجه گیری:

نتیجه حاصل از بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و عزت نفس نشان داد بین دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌داری وجود. نتایج این پژوهش موید یافته‌های پژوهش‌های گذشته در این زمینه (برخورداری و دیگران، ۱۳۸۸ و وافیکا و دیگران، ۲۰۰۷، فاکس، ۲۰۰۵، دوک، ۲۰۰۶، پروکوپاکو و استودیا (۲۰۰۸)) می‌باشد. همسویی یافته‌های پژوهش حاضر و یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور بیانگر آنست که عزت نفس یادگیرندگان نقش بسیار مهمی در تفکر نقادانه آنها دارد. تبیین نتایج این پژوهش به مدد نظریه‌های مختلف روانشناسی و تربیتی که به عزت نفس و پرورش تفکر توجه داشته‌اند امکان‌پذیر است. به عنوان مثال کوپر اسمیت (۱۹۶۷) معتقد است تمام افراد خودانگاره‌ای از خود را شکل می‌دهند که به حفظ سازگاری با دنیای خارج کمک می‌نماید. چون این خودانگاره در اثر تعادل یا محیط رشد می‌کند،

قضاوت‌ها، ترجیحات و کمبودهای موقعیت خانوادگی و اجتماعی خاص را منعکس می‌کند. راجرز اثرات مهلک محیط‌هایی را که در مورد فرد به عنوان یک موجود بد قضاوت می‌نمایند را نشان می‌دهد. این قضاوت‌های تند و خردکننده فرد را از پذیرش خود باز می‌دارد و بدینسان می‌تواند باعث رنجش شده و با تهدید ارزشمندی و شایستگی او اثر تخریبی داشته باشد. وی معتقد است یک جو آسان‌گیر، بیان آرزو و عقاید را ممکن ساخته و فرد را قادر به شناخت و خویشتن پذیری می‌کند؛ آنها نسبت به بسیاری از افراد دیگر در برابر تغییر گشوده تر عمل می‌کنند. زیرا نواقص و معایب خود را نقادانه تشخیص داده و در عین حال آن قدر خود را با ارزش می‌دانند که تغییر کنند. حال آن که افراد دارای عزت نفس پایین به سختی می‌پذیرند که عقاید، طرح‌ها و پیشنهاداتشان، ارزشمند هستند و به راحتی مانع بخش‌های خلاقانه و انتقادی وجودشان می‌شوند. آنها به جای رهبر ترجیح می‌دهند پیرو باشند و تمایل دارند که به جای بیان رای و نظر خود، از جملات دیگران استفاده کنند و به جای راه رفتن در علفزار و پیدا کردن مسیرشان، در کوره راه‌ها یا مسیرهای مشخص گام بردارند. درک این نکته ما را متوجه شرایط زندگی و کار در قرن ۲۱ می‌سازد؛ همان طور که جهان از مشاغل نیازمند به نیروی کار و کار طاقت فرسا به سمت هوش و تفکر پیش می‌رود، ضرورت تسلط بر مهارت‌های تفکر انتقادی در محیط‌های کاری دنیای مدرن امروزی، احساس می‌شود. طولی نمی‌کشد که فرد بدون این قابلیت و توانایی نمی‌تواند به سمت مدیریت و جایگاه‌های بالاتر پیش رود. عزت نفس، در رشد و توسعه تفکر انتقادی نقش مهم و حیاتی ایفاء می‌کند و فرد را در توانائی‌ها، استعدادها و مهارت‌هایش مطمئن می‌سازد و به همین ترتیب شرایط تسلط بر مهارت‌های تفکر انتقادی هموار می‌کند.

تبیین رابطه تفکر انتقادی و عزت نفس به این برمی‌گردد که تفکر انتقادی به توانایی طبقه‌بندی موضوعات و خویشتن داری هنگام قضاوت و

تصمیم‌گیری و عزت نفس به توانایی تشخیص اعتقادات نادرست و قضاوت‌های غلط و آن چه که درست و صحیح است مربوط می‌شود. افراد دارای عزت نفس کم قادر به انجام این وظایف نخواهند بود زیرا هر تصمیم‌شان سرشار از عدم اعتماد به نفس و حدس و گمان است. در حالی که لازمه تفکر انتقادی شجاعت، جرات، تصمیم‌گیری و اراده است. تفکر انتقادی یعنی فکر کردن بر مبنای دلیل، منطق و تحقیق و بنا براین برای بیان دقیق محاسبات، تصمیم‌گیری‌ها و راه حلها ضرورت دارد. این نوع تفکر به جهت عقاید و نظرات جدید، روشها و تکنیک‌های ابداعی، استراتژی‌های جدید، و حوزه‌های ناشناخته نیز منتهی می‌شود. متفکر نقاد از انتقاد هراسی ندارد و تمایل به بیشتر دانستن و به گونه‌ای متفاوت دانستن و کنجکاوی دارد. در نتیجه مستلزم شکیبایی، تحمل دیگران و ثبات قدم بیشتری است. چنین ویژگی‌هایی تنها نزد کسانی که از عزت نفس بالایی برخوردارند مشاهده می‌شود.

بنابراین از آن جا که عزت نفس زائیده زندگی اجتماعی و ارزش‌های آن است و محیط اجتماعی در رشد عزت نفس تأثیر بسزایی دارد می‌توان آن را یکی از انگیزش‌های محیط آموزشی محسوب نمود و ابزارهایی را که با ارتقای آن همبستگی دارند در نظام آموزشی مورد تأکید قرار داد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش مبنی بر پیش‌بینی کننده بودن «عزت نفس تحصیلی» در مقایسه با سایر مولفه‌های عزت نفس، برنامه‌های درسی باید در راستای تحقق بخشیدن به ویژگی‌های انسان مطمئن به نفس گام‌های اساسی بردارند. به این معنی که اصول و چارچوب‌های تربیتی، راهنما و سرلوحه برنامه‌های درسی آموزش مدرسان قرار گیرد. چنان چه دست یابی به انسان متفکر نقاد به عنوان خروجی آموزش عالی مطرح است رعایت همه جوانب رفتار تربیتی در فرایند یاددهی- یادگیری توسط مدرسان الزامی

می‌باشد به ویژه این که سواد نقادانه از قابلیت‌های مورد نیاز انسان قرن ۲۱ است و باید در برنامه‌های درسی به آموزش آن اهتمام شود.

آموزش عالی در کل و برنامه‌های درسی به عنوان یک جزئی از آن نمی‌توانند به دور از تحولاتی باشند که در عرصه فناوری‌های نوین آموزشی رخ داده اند و باید پذیرفت که برنامه‌های درسی به طور همه جانبه تحت تاثیر ورود این فناوریها قرار می‌گیرند، بر این اساس باید تفکر انتقادی را به عنوان جزئی ضروری در آموزش تلقی کرده و فعالیت‌های تفکر به عنوان بخشی از آموزش روزانه در تمام موضوعات درسی مورد توجه قرار گیرد (شعبانی ورکی، ۱۳۷۴). بعلاوه تقویت عزت نفس یادگیرندگان و آموزش تفکر به درس یا کلاس ویژه اختصاص ندارد. تمامی معلمان، در تمامی دروس می‌توانند به تقویت کرامت نفس و قدرت تفکر انتقادی فراگیران مبادرت ورزند.

تاکید بر این ابعاد تربیتی در نوشته های فیلسوفانی مانند رابرت لیپمن، و ریچارد پل نیز قابل مشاهده است آنها معتقدند که هدف اصلی تعلیم و تربیت باید پرورش افراد اندیشمند و دارای استدلال عقلی باشد. پل (۱۹۹۰) نتیجه اصلی آموزش و پرورش را یک ذهن کاوشگر بیان می‌کند. از طرفی فرد مطمئن به نفس کسی است که مستقل عمل می‌کند، مسوولیت پذیر است، به پیشرفتهایش افتخار می‌کند، به چالش‌های جدید مشتاقانه روی می‌آورد، دامنه وسیعی از احساسات و هیجان‌ها را نشان می‌دهد، و ناکامی رابه خوبی تحمل می‌کند. فرد تربیت شده با چنین ویژگی‌هایی قادر به تفکر انتقادی، تفکر تحلیلی و حل مسأله نیز خواهد بود (ویلیامز و دیگران، ۲۰۰۳).

در این راستا یکی از مهم‌ترین توصیه‌ها احترام به کرامت انسانی دانشجویان و توجه به پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسأله در آموزش عالی (ویلیامز و دیگران ۲۰۰۳) می‌باشد. پُل (۱۹۹۴) معتقدند توسعه تفکر انتقادی در آموزش عالی (تفکری که هدفمند، معقول و با تدوین حل مسأله

و منابع و حل احتمالات و تصمیم‌گیری سر و کار دارد) موجب توسعه مهارت‌هایی چون ارتباطات، کار گروهی، رهبری و خودمدیریتی می‌شود و به طور مداوم باعث توسعه برنامه‌های درسی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌شود (ویلیامز و دیگران، ۲۰۰۳). پرورش این مهارت‌ها مستلزم بستر مناسب بوده که یکی از مهم‌ترین آنها عزت نفس است. توسعه عزت نفس و تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی بر این فرض اساسی استوار است که انسانی که برای خود کرامت نفس قائل است برای خرد و عقلانیت خویش نیز ارزش قائل بوده و در نتیجه تسلیم افکار وارد شده از جهان غرب و شرق نمی‌شود و بنا به گفته کتاب مقدس ما قرآن ابتدا گفته‌ها را «استماع» نموده، آن گاه از بین آن‌ها بهترین را گزینش می‌کند. این فرمان الهی محقق نمی‌شود مگر در سایه آن نوع شیوه تربیتی که بنا را بر تکریم یادگیرنده گذارده و فضا را برای تفکر نقادانه فراهم می‌سازد. بنابراین توسعه تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی باید با انجام تحقیق‌های علمی در نظام آموزشی کشور همراه باشد و پشتوانه برگرفته از یافته‌های پژوهشی آن را حمایت کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه:

- برخورداری، معصومه؛ شمس‌الملوک جلامنش؛ محمود محمودی، (۱۳۸۸). رابطه بین تفکر انتقادی و عزت نفس در دانشجویان سال سوم و چهارم رشته لیسانس پرستاری. مجله آموزش در علوم پزشکی، شماره نهم، جلد اول، ص ۱۳-۱۶.
- تامسون، آنه (۱۳۸۲). استدلال انتقادی، ترجمه‌ی فریده هاشمیان نژاد، انتشارات چاپ گستر.
- شعبانی، حسن؛ (۱۳۸۲). آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر، تهران، سمت.
- شعبانی، حسن مهارت‌های آموزشی و پرورشی؛ روش‌ها و فنون تدریس، تهران. سمت. چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- مشایخی، بهرام، (۱۳۷۷). حقوق، اخلاق و پزشکی. مجله افق، شماره سوم، جلد هفتم، ص ۸-۱۲.
- Beyer, Barry K. (1991). Teaching Thinking skills: a Handbook for Elementary school Teachers .
- Boland RJ, Singh J, Salipante P, Aram JD, Fay SY, Kanawattanachai P. (2001). Knowledge representations and knowledge transfer. Acad Mgmt J. 44(2):393-417 .
- Chambers DW. (200۱). The reason for being reasonable. Contact Point. 83(August):11.
- Chambers DW. (2003). Righteousness and reason. J Am Coll Dent. 70(1):2-3.
- Coopersmith. (1967). The antecedents of self-esteem. New York: The Guilford Press
- Crocker, J. , & Luhtanen, R. K. (2003). Level of self-esteem and contingencies of self-worth: Unique effects on academic,

- social, and financial problems in college freshmen. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 701-712 .
- DePaola DP. (2004). Nurturing a culture of innovation. *J Dent Res*. 84(6):446.
- Diane, Fox(2005). Measuring confidence in critical thinking ability and perceived self-efficacy in nursing students:The relationship. *Improving World Health through Knowledge Conference* .
- Dweck CS. (2006). *Mindset: the new psychology of success*. New York: Random House .
- Dickerson SS, Gruenewald TL, Kemeny ME. (2004). When the social self is threatened: shame, physiology, and health. *J Pers*. 72:1191–216 .
- Ennis, R. H. (1985) Goals for a critical thinking curriculum, in A Costa (E. d) *Developing Minds a Resource Book for Teaching Thinking* Alexander, V A: Association for supervision and curriculum Development, 1985 .
- Li, J. (2006, April 26). Not ready for science tests. *Education Week*, p. 40 .
- Loveless, T. (2006). *How well are students learning? The 2006 Brown Center report on American education*. The Brookings Institution .
- Paul, R. W, and Bailin's. (1984). *The Critively Critical and Critically Critive thinker*. Unpublished Manuscript .

بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و عزت نفس در ..

- Prokopcakova, Alexandra, Ruiselovaz,dena. (2008). Counterfactual Thinking as related to Anxiety and self-esteem. *Studia Psychologica* Vol. 50, No. 4, p. 429-435
- Researchers look at critical thinking, self-esteem and anxiety in nursing students. 2007. *Insight Journal Online Magazine*. Available at: http://www.anxiety-and-depression-solutions.com/articles/news/072306_students.php. Accessed at: July 15, 2011 .
- Wafika A. Suliman ,Jehad Halabi. (2007). Critical thinking, self-esteem, and state anxiety of nursing studens. *Nurse Education Today*. 27, 162–168 .
- Williams KB, Schmidt C, Tilliss TSI, Wilkins K, Glasnapp DR. (2006). Predictive validity of critical thinking skills and disposition for the National Board Dental Hygiene Examination: a preliminary investigation. *J Dent Educ*. 70(5):536–44 .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

An investigation of the relationship between critical thinking and self-esteem in students of Islamic Azad University, Mashhad Branch

Hashemian nejad, Farideh (Ph.D)

Abstract:

Research shows that critical thinking skills account for a significant part of variance in mental hygiene. This fact has been given due attention by international organizations such UNESCO and UNICEF. In response to the demands of modern life and labor market, this study aims at investigating the relationship between critical thinking and self-esteem in university students. It is a descriptive correlational research. The research population includes 300 students of Islamic Azad University, Mashhad Branch, studying in four departments. The research instruments are Watson Glazer's critical thinking questionnaire and Copper Smith's measure of self-esteem. One-way regression, multiple-variable regression, coefficient of determination, and Mann-Whitney U-test were applied to analyze the data. The results show that there is a positive and significant relationship between critical thinking and self-esteem(0.160). Coefficient of determination in multiple-variable regression is 0.047. Self-esteem account for 4.7 percent of critical thinking. Academic self-esteem play a more significant role in the variance of critical thinking.

Key words: self-esteem; student; critical thinking